

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۱۱/۱۴

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۲/۰۲/۱۰

کوروش گلکار^۱

سیما و منظر شهری تهران:

تحلیلی از «برنامه راهبردی طراحی شهری و مدیریت منظر شهری تهران»

چکیده

طی دهه گذشته دغدغه‌های جدی فراوانی توسط مسئولان، حرفه‌مندان و دانشگاهیان در مورد کیفیت طراحی شهری و منظر شهری تهران ابراز گردیده است. چنانچه تهران در صدد ارتقاء توان رقابتی خود در وضعیت جهانی شدن باشد و چنانچه ارتقاء تجربه زندگی شهری ساکنان مد نظر باشد، آنگاه ارتقاء منظر شهری دیگر نه یک انتخاب بلکه یک ضرورت خواهد بود. تاکنون مطالعات متعددی، غالباً به صورت پراکنده و ناتمام در خصوص سیمای تهران صورت گرفته است؛ مع‌هذا برای اولین بار در سال ۱۳۸۵ و در قالب برنامه مکملی برای طرح جامع جدید تهران، تهیه یک سند رسمی تحت عنوان «برنامه راهبردی طراحی شهری و مدیریت منظر شهری تهران» در دستور کار نهادهای مسئول قرار گرفت. هدف این مقاله ارائه شرح مختصری از نتایج مرحله اول برنامه مزبور و تحلیل و تفسیر داده‌هایی است که از طریق پیمایش برای مطالعات چشم‌اندازسازی آن گرد آمده است. برای پیمایش از پرسش‌نامه مفصلی، شامل ۷۸ پرسش و گزاره لیکرت برای سنجش نگرش گروهی از مسئولان رسمی، حرفه‌مندان و دانشگاهیان (n=59) استفاده است. مواد پرسش‌نامه بر اساس مدل چشم‌اندازسازی ارگون در چهار بخش سازمان داده شده‌اند و به وضعیت امروز، فردا و اقدامات لازم جهت بهسازی منظر شهری تهران می‌پردازد. دامنه این مقاله محدود به تحلیل و تفسیر هیجده مورد از پرسش‌ها یا گزاره‌های پیمایش فوق است. نتایج مطالعه نشان می‌دهد که اکثریت قاطعی از پاسخ‌دهندگان وضعیت منظر شهری تهران را بد یا بسیار بد ارزیابی نموده‌اند (۸۵ درصد)؛ با وجود این، آنان معتقدند با اعمال مدیریت شهری صحیح تهران قابلیت تبدیل به شهری زیبا را دارد. مهمترین مناظر شهری تهران مناظر رشته کوه البرز، مناظر ورودی تهران و مناظر قابل دریافت در بزرگراه‌های شهری عنوان شده‌اند. تقریباً تمام پاسخ‌دهندگان فقدان یک «برنامه طراحی شهری» را دلیل اصلی مناظر چشم‌آزار و بی‌نظم عنوان نموده‌اند (۹۸/۱ درصد) و ضرورت لحاظ نمودن سرفصلی تحت عنوان «مدیریت بصری شهر» را در چارچوب مأموریت‌های کنونی مدیریت شهری ابراز کرده‌اند. پاسخ‌دهندگان جنبه ظاهری و بصری شهری را از جوانب کارکردی و زیست‌محیطی آن جدا دانسته‌اند که این را می‌توان به‌عنوان ضرورت اتخاذ یک رویکرد پایدار و کل‌گرایانه به زیباشناسی شهری، به‌جای ادامه رویکرد آرایشی و سطحی کنونی تفسیر نمود.

کلیدواژه‌ها: تهران، طراحی شهری، منظر عینی شهر، منظر ذهنی شهر، چشم‌اندازسازی.

^۱ استاد دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، استان تهران، شهر تهران

مقدمه

طی دهه گذشته دیدگاه‌های متفاوت و نسبتاً پرشماری پیرامون منظر شهری تهران در مجلات عمومی و تخصصی انتشار یافته است. آیا طرح این دیدگاه‌ها را می‌توان منطقاً به معنای وجود دانش کافی در خصوص منظر شهری تهران تلقی نمود؟ پاسخ نگارنده به این پرسش منفی است. دیدگاه‌هایی که عموماً تاکنون در این باره مطرح گردیده بیش از آنکه بیانگر «دانسته‌های افراد پیرامون کیفیت منظر شهری تهران باشد، نمایانگر «باور»‌های آنان است. اساساً از منظر معرفت‌شناسی دو مقوله «باور» و «دانسته» دو مفهوم متفاوت‌اند و هر نوع باوری به مثابه شناخت واقعی محسوب نمی‌شود. بر پایه مبانی معرفت‌شناختی تنها «باور صادق موجّه»^۱ را می‌توان به‌عنوان «دانسته» محسوب نمود (هاسپرس، ۱۳۸۷). از این رو، تنها باورهایی را می‌توان شناخت واقعی تلقی کرد که علاوه بر صحت و صدق، مدلل (موجّه) نیز باشند. این امر به مفهوم ضرورت اتکای باورها و مدعیات بر پژوهش و راستی‌آزمایی مدعیات مزبور از طریق گردآوری ادله و شواهد پشتیبان است. به بیان دیگر، بدون پژوهش دانسته‌ای نیز وجود ندارد.

اگرچه پیرامون منظر شهری تهران باورهای متعددی در قالب گزاره‌های گوناگون مطرح گردیده است، لیکن به نظر می‌رسد شناخت قابل توجهی، به مفهوم دقیق کلمه، در مورد این پدیده در دسترس نباشد و مطلب چندان‌ی در باب آن نمی‌دانیم. مرور سوابق فعالیت‌های مرتبط با کیفیت محیط کالبدی و منظر شهری تهران، وجود مجموعه‌هایی عمدتاً پراکنده و غالباً ناتمام از تلاش‌های به‌عمل آمده در این زمینه را نشان می‌دهد. برخی از کوشش‌های مزبور، از جمله مطالعه طراحی شهری گروه هاروارد (دبیرخانه شورای نظارت بر گسترش شهر تهران) تحت عنوان «فرم کالبدی تهران»^۲ (TDCS, 1978) و مجموعه تلاش‌های ارزشمند لیکن نیمه‌تمام سازمان زیباسازی شهرداری تهران^۳ بیشترین ارتباط را با موضوع مورد بحث این مقاله دارند.^۴ مقاله حاضر به بهانه پرداختن به پرسش «از منظر شهری تهران چه می‌دانیم؟» گزارشی تحلیلی از یکی از کوشش‌های پژوهشی-حرفه‌ای مرتبط با موضوع، یعنی گزارشی را از روند تهیه و دستاوردهای مرحله اول «برنامه راهبردی طراحی شهری و مدیریت منظر شهری تهران» ارائه می‌نماید. در این راستا، نخست شرحی از پیشینه موضوع، ضرورت و سودمندی‌های مورد انتظار از تهیه سند و روش‌شناسی تهیه برنامه ارائه می‌گردد؛ سپس به‌طور اجمالی به دستاوردهای مرحله اول برنامه اشاره می‌شود و آنگاه به فرآیند چشم‌اندازسازی مقدماتی برای منظر شهری تهران به‌عنوان یکی از دستاوردهای مرحله اول پرداخته شده و یافته‌های آن مورد بحث قرار می‌گیرد. نهایتاً این مقاله از تجربیات به‌دست آمده در مرحله اول نتیجه‌گیری به عمل می‌آورد.

برنامه راهبردی طراحی شهری و مدیریت منظر شهری تهران

در اسفندماه سال ۱۳۸۵ تهیه سندی تحت عنوان «برنامه راهبردی طراحی شهری و مدیریت منظر شهری تهران»، به‌عنوان یکی از اسناد مکمل طرح جامع جدید تهران توسط حوزه معاونت شهرسازی و معماری شهرداری تهران در دستور کار قرار گرفت. تدوین این سند در قالب سه مرحله پیش‌بینی شده بود و مرحله اول آن می‌بایست طی مدت دوازده ماه انجام پذیرد. نظارت بر تهیه سند مشترکاً بر عهده نهاد تهیه طرح‌های توسعه شهر تهران و حوزه معاونت شهرسازی و معماری شهرداری تهران و تهیه آن به مهندسان مشاور تحت مدیریت فنی نگارنده محول گردید. به‌طور کلی، هدف از تدوین برنامه راهبردی مدیریت منظر شهری تهران، تکمیل نمودن اسناد

رسمی شهر تهران در راستای ارتقای کیفیت و مدیریت مطلوب منظر این شهر است. سند مزبور به‌عنوان ابزاری جهت تحقق چشم‌انداز طرح جامع جدید در تبدیل کردن تهران به شهری پایدار، جهانی، دانش‌پایه و بهره‌مند از هویت معماری و شهرسازی ایرانی-اسلامی پیش‌بینی شده است. وظیفه چنین سندی تفسیر فضایی-بصری سیاست‌های راهبردی طرح جامع جدید تهران به گونه‌ای است که پیش از کاربست در سطح محلی (مناطق شهرداری) راهنمایی‌های ضروری در مورد منظر شهری را برای تهیه‌کنندگان طرح‌های پایین دست فراهم سازد (شکل ۱). انتظار می‌رود این سند مبنای اتخاذ تصمیمات برنامه‌ریزی، طراحی و مدیریت شهری قرار گرفته و کیفیت محیط و وجهه شهری تهران را در راستای تحقق اهداف طرح جامع جدید تهران ارتقاء بخشد.

ضرورت و سودمندی‌های برنامه

در وضعیت جهانی شدن، امروزه کلانشهرهای برجسته‌ای نظیر تهران برای جذب سرمایه، استعدادهای درخشان و جلب توجه بین‌المللی، به‌مثابه مکان مناسبی برای برگزاری رویدادهای هنری، ورزشی، سیاسی، علمی و غیره با یکدیگر به رقابت برخاسته‌اند (گلکار، ۱۳۸۵). در چنین شرایطی تدوین «چشم‌انداز» واضح و روشن از آینده شهر دیگر نه یک انتخاب بلکه به یک ضرورت حیاتی بدل شده است. در حالی‌که شهرهای برخوردار از چشم‌انداز، آینده مطلوب خویش را خود خواهند آفرید، شهرهای فاقد چشم‌انداز بر اثر روزمرگی و تداوم روندهای مخرب جاری عملاً به سمت آینده‌ای نامعلوم «هل» داده خواهند شد.

متأسفانه ابزارها و اسناد متداول شهرسازی به‌واسطه ضعف ذاتی خود قادر به تدوین مؤثر چشم‌انداز شهر نبوده و نیستند (گلکار، ۱۳۹۰). اسناد طرح‌های جامع و تفصیلی به‌واسطه ماهیت صلب و فروکاهشی‌شان در بهترین حالت تنها پاسخگوی بخشی از معضلات توسعه کالبدی شهر بوده و توانایی هدایت نظام‌مند فرم سه‌بعدی شهر را به‌گونه‌ای که پشتیبان توسعه پایدار بوده و چشم‌انداز شهر را محقق نماید، ندارند. در این راستا، طراحی شهری به‌مثابه یک دانش و فن میان‌رشته‌ای کیفیت-محور می‌تواند به پرکردن خلاء اسناد و ابزارهای رسمی موجود و به تدوین و تکوین چشم‌انداز مطلوب شهر کمک کند.

طراحی شهری به‌عنوان فعالیتی که از پیوند خجسته میان بسیاری از دانش‌ها (از جمله معماری، معماری منظر، برنامه‌ریزی شهری، مهندسی عمران و غیره) شکل می‌گیرد را می‌توان «علم و هنر مدیریت منظر شهری» نام نهاد. بر مبنای این دیدگاه میان رشته‌ای، مدیریت جامع منظر شهری به مثابه مدیریت منظومه‌ای متشکل از سه جزء - نظام «منظر عینی» (منظر)، «منظر ذهنی» (سیما) و «منظر ذهنی ارزیابانه» (سیمای ارزیابانه) بوده و منوط به مدیریت یکپارچه کلیه ابعاد کیفی زندگی شهری، از جمله مدیریت بصری، فعالیتی، زیست‌محیطی و مفهومی شهر است؛ بنابراین ارتقاء منظر شهری نه در گروی اقدامات سطحی، مقطعی و نتیجتاً ناپایداری است که معمولاً به‌صورت آرایش جداره‌های شهری انجام می‌پذیرد، بلکه منوط به اتخاذ رویکردی پایدار است که در آن منظر شهری به مثابه تجلی خارجی و ملموس یک واقعیت واحد، یعنی «فرم شهر» فهم گردد. در چنین دیدگاهی، منظر شهری در یک رابطه دیالکتیکی، تعاملی و همزمان با فرم شهر و لایه‌های گوناگون آن (شامل لایه‌های کاربری زمین، حرکت و دسترسی، فرم کالبدی و غیره) و تحت تأثیر بسترهای قانونی، مالی و تشکیلاتی نظام توسعه و مدیریت شهری، تحلیل و برنامه‌ریزی شده و شکل می‌یابد. به بیان دیگر، ارتقاء پایدار کیفیت منظر شهری و مدیریت مؤثر آن، تنها با پیگیری دیدگاه «طراحی شهری پایدار»^۵ (گلکار، ۱۳۸۲) و از طریق یک برنامه راهبردی و برنامه‌های

عملیاتی پشتیبان آن امکان‌پذیر است که به‌طور همزمان به ابعاد ماهوی (کیفیت فرم و منظر شهری) و ابعاد رویه‌ای (فرآیند تحقق) در بهسازی محیط بصری شهر بپردازد.

در همین راستا تهیه «برنامه راهبردی طراحی شهری و مدیریت منظر شهری تهران» به‌عنوان سندی که محتوای دیگر اسناد رسمی شهر را تکمیل، تدقیق و احیاناً اصلاح کند، ضرورت می‌یابد. برنامه مزبور از خصلت راهبردی برخوردار بوده و مبنای اتخاذ تصمیمات در امر برنامه‌ریزی، طراحی و مدیریت شهری قرار گرفته و وجهه شهری^۱ تهران و کیفیت محیطی آن را به‌ویژه در بعد کالبدی و بصری ارتقاء خواهد بخشید. بخشی از سودمندی‌های ناشی از تهیه و اجرای برنامه راهبردی مدیریت منظر شهری تهران عبارتند از:

۱. دست یافتن شهر و مدیریت شهری به ابزاری مناسب برای هدایت منطقی و طولانی مدت فرم کالبدی سه بعدی شهر.
۲. تأمین پشتیبانی فنی از اسناد موجود شهرسازی (طرح جامع و تفصیلی) از منظر طراحی و منظر شهری.
۳. شناسایی و تعریف پروژه‌های عمران شهری در یک «چارچوب یکپارچه و هماهنگ» و بالا بردن اثر «هم‌افزایی» (سینرژی) پروژه‌ها و ارتقاء احتمال جذب سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و مشارکت همگانی در آنها.
۴. یافتن نقش پیشگامی در میان شهرهای ایران و منطقه از نظر کاربرد دانش طراحی شهری و مدیریت منظر شهری توسط تهران، به مثابه ابزاری مؤثر و نتیجتاً نوسازی ساختاری نظام مدیریت شهری بر مبنای فرآیندهای تصمیم‌گیری کیفیت - محور.
۵. ارتقاء وجهه و توان رقابتی کلانشهر تهران در مقیاس‌های منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی در اثر اجرای برنامه و طرح نمودن و تقویت تهران به‌عنوان یک «برند مکانی»^۲ برتر.

روش‌شناسی تدوین برنامه

تهیه برنامه راهبردی طراحی شهری و مدیریت منظر شهری تهران به لحاظ بزرگی مقیاس فضایی و پیچیدگی مباحث آن، مستلزم اتخاذ روشی مشارکتی و گروهی است. به بیان دیگر، تهیه‌کننده سند در این پروژه عمدتاً باید نقش هدایت و هماهنگ‌کنندگی فعالیت‌های مهندسان مشاور تهیه‌کننده طرح‌های تفصیلی مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران را برعهده گیرد. در چارچوب روش‌شناختی مزبور، فرض بر این است که مهندسان مشاور مسئول مناطق ۲۲ گانه تهران، با تعامل و راهنمایی از سوی مهندس مشاور مسئول تهیه سند، کمبودهای اطلاعاتی حوزه خویش از نظر مباحث طراحی شهری را از طریق برداشت میدانی مرتفع نموده و نسخه مقدماتی سیاست‌های طراحی و چارچوب راهبردی طراحی شهری و مدیریت منظر شهری منطقه خود را تهیه نمایند؛ به عبارت دیگر، طی یک فرآیند موازی و دوسویه میان مشاور مسئول تهیه سند تهران و مشاوران مسئول مناطق ۲۲ گانه، چارچوب طراحی شهری و مدیریت منظر شهری مناطق ۲۲ گانه و برنامه راهبردی طراحی شهری و مدیریت منظر شهری تهران به‌طور همزمان شکل می‌گیرد.

فرایند تهیه برنامه شامل سه مرحله بوده و هر مرحله اهداف خاصی را رصد می‌نماید. اهداف عمده مرحله اول «طراحی سامانه تحقیق»^۳، «چشم‌اندازسازی مقدماتی» و فراهم آوردن شالوده‌های فنی - مفهومی لازم برای انجام مراحل دوم و سوم است. هدف مرحله دوم برنامه، تدوین روش‌ها و دستورالعمل‌های لازم جهت راهنمایی مشاوران مناطق برای گردآوری و تحلیل داده‌های مورد نیاز به‌صورت هماهنگ و همزمان است و نهایتاً هدف مرحله سوم یا نهایی پروژه مورد بحث،

تدوین برنامه راهبردی طراحی شهری و مدیریت منظر شهری تهران از طریق سنتز داده‌ها، در دو سطح مناطق و کلانشهر تهران و به گونه‌ای است که دربرگیرنده مجموعه سیاست‌های راهبردی، نقشه راهبرد، نقشه ساختار حوزه‌های مدیریت منظر شهری، برنامه‌های عملیاتی مشتمل بر چارچوب‌های مدیریت منظر شهری مناطق شهرداری و مجموعه دستور کارهای تهیه طرح‌های جامع سه‌بعدی منظر شهری (در مقیاس سایت‌های ویژه) باشد. در حال حاضر فقط مرحله اول این برنامه انجام پذیرفته است و تکمیل برنامه منوط به شکل‌گیری اراده و خواست لازم جهت انجام مراحل دوم و سوم از سوی مدیریت شهری تهران است.

دستاوردهای مرحله اول برنامه مدیریت منظر شهری تهران چارچوب کلی دستاوردها

همان‌گونه که عنوان شد اهداف اساسی مرحله اول برنامه از یک سو طراحی سامانه تحقیق (متدولوژی) برای انجام مراحل دوم و سوم و چشم‌اندازسازی مقدماتی برای منظر شهری تهران و از سوی دیگر آموزش کارشناسان دستگاه کارفرما (حوزه معاونت شهرسازی و شهرداری‌های مناطق ۲۲ گانه تهران) به منظور ایجاد وفاق بین‌الذنهانی و نتیجتاً تسهیل در اجرای سند و تدوین روش‌ها و دستورالعمل‌های لازم جهت هماهنگ‌سازی مهندسان مشاور مناطق ۲۲ گانه در راستای تهیه برنامه بوده است. یکی از چالش‌های اساسی در این مرحله رفع کاستی‌های نظری، روش‌شناختی و فنی در حیطه طراحی شهری راهبردی، یعنی مدیریت کالبدی و بصری محیط شهری در مقیاس‌های فضایی کلان است. به‌طور کلی در ادبیات تخصصی موجود منابع، روش‌ها، فنون و ابزارهای قابل کاربرد در مقیاس کلان (راهبردی) طراحی شهری و مدیریت منظر بسیار محدودتر، پراکنده‌تر و ناشناخته‌تر از موارد مشابه در مقیاس‌های فضایی میانی و خرد است. شاید این کاستی به سبب پیشینه تاریخی شکل‌گیری این رشته و توجه سنتی آن به مقیاس‌های کوچک (طراحی در مقیاس فضاهای شهری) و میانی (طراحی در مقیاس محلات) و لاجرم جهت‌گیری روش‌ها و ابزارها برای انجام مطالعات عمدتاً در مقیاس‌های فضایی خرد و میانی باشد (گلکار، ۱۳۷۸ و ۱۳۸۶). این کاستی اگرچه توسط صاحب‌نظرانی همچون کوین لینچ از چند دهه قبل مطرح گردیده (Lynch, 1984) مع‌هذا همچنان طراحی شهری با ضعف بنیه نظری و روش‌شناختی در مقیاس‌های راهبردی مواجه است. از این رو، داده‌کاوی دقیق در مورد محدود پروژه‌های مشابه در مقیاس بین‌المللی از لوازم این مرحله از کار بود که نتایج آن به‌صورت طبقه‌بندی مباحث، روش‌ها و ابزارهای قابل استفاده در مطالعات بصری کلان مقیاس محیط‌های شهری تدوین گردیده است. این امر از دو طریق، یعنی بررسی پیشینه نظری و پیشینه عملی موضوع در مقیاس بین‌المللی صورت گرفت.

پس از انجام بررسی‌های نظری، مباحث عمده طراحی شهری که باید در مقیاس کلان مورد توجه قرار گیرند، به ترتیب زیر بازشناخته شدند: (۱) مباحث زیباشناختی (دربرگیرنده خوانایی و ادراک شهر، دیدها و مناظر راهبردی، الگوی استقرار ساختمان‌های بلندمرتبه، شکل لفاف فضایی شهر، منظر صوتی شهر، حفاظت میراث فرهنگی و غیره)، (۲) مباحث عملکردی (دربرگیرنده پهنه‌بندی کلان کاربری‌ها، نظام کانونی و مراکز شهری، زیرساخت‌های حرکت، دسترسی و ارتباطات و غیره)؛ و (۳) مباحث زیست‌محیطی (دربرگیرنده اقلیم، اکولوژی منظر، زیرساخت‌های سبز، رود دره‌ها و آبراهه‌ها، جزایر حرارتی و غیره). از سوی دیگر با بررسی تجربیات عملی بین‌المللی که در حوزه طراحی شهری راهبردی انجام گردیده است، تلاش شد تا یافته‌های مطالعات نظری تکمیل گردد. از این رو تجربه لندن در زمینه تهیه «چارچوب مدیریت منظر شهری لندن» که به‌عنوان یکی از

اسناد مکمل طرح جامع لندن تدوین شده، به‌عنوان نزدیک‌ترین منبع به موضوع مورد بحث ما مورد بررسی دقیق قرار گرفت (GLA, 2004 & 2005). همچنین بررسی تجربه طراحی شهری در اسناد کلان مقیاس شهر «استاک-آن-ترنت» انگلستان (NSWG, 2005; NSC, 2002)، تجربه طراحی شهری سیدنی (SCS, 1996; Punter, 1999)، تجربه طراحی شهری سانفرانسیسکو (NSWG, 2005; NSC, 2002) و تجربه کوالامپور (CHKL, 2004) در زمینه تهیه طرح ساختاری (به‌عنوان یکی از کشورهای در حال توسعه) به تکمیل مباحث و روش‌های قابل استفاده در مقیاس کلان کمک نمود.

در مرحله اول برنامه، برخی از مباحث و روش‌های بازشناسی شده به صورت پایلوت مورد استفاده قرار گرفت که از جمله می‌توان به ساخت مدل چیدمان فضای تهران و تحلیل هم‌پیوندی آن به کمک نرم‌افزار Depth Map (شکل ۲)، انجام مطالعات پایلوت منظر ذهنی شهر (شکل ۳) و آزمون افتراق معنایی مناظر شهری (شکل ۴ و ۵) در مورد نمونه نسبتاً کوچکی از پاسخ‌دهندگان اشاره نمود. بدیهی است که مطالعات مزبور باید در مراحل بعدی، با حجم نمونه بزرگ تأیید و تکمیل شود، به‌گونه‌ای که معرف جامعه تهران باشد. برای انجام مطالعه، پیشاپیش لازم بود که مدلی جهت فهم، سنجش و طراحی منظر شهری به‌عنوان شالوده کار طراحی گردد. تدوین «مدل مطالعه جامع منظر شهری» تحت عنوان «مدل سه‌نظام» مشتمل بر نظامات سه‌گانه ادراکی، شناختی و ارزیابانه با بهره‌گیری از مطالعات پیشین نگارنده (گلکار، ۱۳۸۵) از دیگر دستاوردهای این مرحله بوده است. از دیگر برون‌دادهای مرحله اول باید به تدوین «نظام طبقه‌بندی تنوع مناظر شهری تهران» (شکل ۶ و ۷) اشاره نمود. نهایتاً، انجام فرآیند چشم‌اندازسازی مقدماتی از طریق اجرای پیمایش در مورد جمعی از مسئولان و تحلیل داده‌های گردآوری شده را باید یکی دیگر از دستاوردهای مرحله اول تهیه برنامه دانست.

چشم‌اندازسازی مقدماتی برای منظر شهری تهران

در این قسمت، گزیده‌ای از یافته‌های چشم‌اندازسازی مقدماتی برای منظر شهری تهران ارائه می‌گردد. پیشاپیش لازم است که به پاره‌ای از پیش‌فرض‌های اساسی کار اشاره شود. به‌طور کلی در این پروژه، مفهوم منظر شهری به مثابه «نظامی از تصاویر که از طریق تعامل میان انسان و محیط شهری در دستگاه ادراکی، شناختی و عاطفی فرد شکل می‌گیرد» در نظر گرفته شده است. به بیان دیگر، منظر شهری حاصل مشاهده ادراکی (منظر عینی^۱)، مشاهده شناختی (منظر ذهنی^۲) و مشاهده عاطفی (منظر ذهنی ارزیابانه^۳) مجموعه عوامل مصنوع و طبیعی یک شهر است. منظر شهری واسطه‌ای است که شهر را به مثابه یک «متن» آشکار ساخته و امکان «قرائت» و خوانش آن را فراهم می‌آورد. فهم منظر شهری، طبق قواعد روان‌شناسی گشتالت براساس تجربه‌ای صورت می‌پذیرد که در آن «کل هر چیز از بیش از جمع اجزاء آن» است؛ یعنی، منظر یک شهر به‌عنوان یک کلیت معنادار، کلیتی که بیش از مجموع جبری نمای ساختمان‌هاست تجربه و ادراک می‌شود. از این رو لازم است با دوری‌گزینی از رویکرد ذره‌باورانه (اتمیسیتیک) به مقوله منظر شهری و بر پایه رویکرد کل‌باورانه در هر سطحی از مواجهه با این پدیده، «جزء» در پرتو کل مورد شناخت و تصمیم‌سازی قرار گیرد.

برای چشم‌اندازسازی منظر شهری تهران از مدل ارگون استفاده گردیده است (گلکار، ۱۳۸۴؛ Ames, 1993a, 1993b) و ابزار گردآوری داده‌ها، یعنی پرسش‌نامه مفصل مورد استفاده در پیمایش نیز از ساختاری مشابه با ساختار و پرسش‌های بنیادین مدل مزبور برخوردار است. محتوای پرسش‌نامه که مجموعاً از ۷۸ پرسش و گزاره (شامل پرسش‌های باز و گزاره‌هایی با مقیاس پنج نقطه‌ای لیکرت) تشکیل شده، در قالب چهار محور زیر تنظیم گردیده است:

۱. اکنون منظر شهری تهران کجاست (در چه وضعیتی است)؟ این دسته از پرسش‌ها به ترسیم نیمرخ وضع موجود شهر و منظر شهری تهران اختصاص دارند. توصیف سوابق و ویژگی‌های مهم منظر شهری، ارزیابی قوت‌ها و ضعف‌های آنها، تعریف نمودن مباحث و دغدغه‌های جاری و صورت‌بندی نمودن ارزش‌های مشترک اجتماعی در مورد منظر شهری در قالب این دسته از پرسش‌ها انجام می‌شود.

۲. منظر شهری تهران به کجا می‌رود؟ این دسته از پرسش‌ها مقصد منظر شهری را با فرض تداوم روندهای جاری و حفظ وضع موجود تعیین می‌کند. بر این اساس سیمای آینده تهران در صورت تداوم شیوه‌های کنونی طراحی و مدیریت منظر شهری پیش‌بینی می‌گردد.

۳. می‌خواهیم منظر شهری تهران کجا باشد؟ این دسته از پرسش‌ها در واقع هسته مرکزی فرآیند چشم‌اندازسازی را در بر می‌گیرند و هدف از آن تدوین چشم‌اندازی از منظر شهری است که تهران آرزو می‌نماید در آینده بدان دست یابد.

۴. چگونه به آن منظر شهری برسیم؟ این مرحله از کار ماهیتاً یک فرآیند مستقل و کامل برنامه‌ریزی تحت عنوان برنامه‌ریزی عملیاتی است که اقدامات کوتاه‌مدت ضروری برای هدایت شهر به سمت چشم‌انداز طولانی‌مدت را تدوین می‌نماید. پرسش‌های این بخش از پرسش‌نامه به‌طور کلی برنامه اقدامات دستگاه‌های مختلف را در ارتباط با منظر شهری جهت نیل به چشم‌انداز مورد نظر جستجو و استخراج می‌کند تا در آینده در تهیه برنامه‌های اجرایی به‌کار بسته شود.

برای طراحی پرسش‌ها و گزاره‌ها، ابتدا از طریق مصاحبه غیرساختارمند با تعدادی از صاحب‌نظران و مرور دیدگاه‌های متفاوتی که در رسانه‌های مکتوب (اعم از نشریات علمی و یا عمومی)، رسانه‌های تصویری و محیط مجازی در مورد منظر شهری تهران مطرح گردیده بود، محورهای مناقشات موجود در مورد این پدیده استخراج شد. سپس مباحث مورد مناقشه عمدتاً در قالب گزاره‌های متعددی صورت‌بندی و با استفاده از مقیاس لیکرت پنج نقطه‌ای جهت کسب نظرات گروه‌های پاسخ‌دهنده مورد استفاده قرار گرفت. در فرآیند چشم‌اندازسازی مقدماتی تلاش گردید تا گروه‌های مخاطب از میان کسانی انتخاب شوند که نظرات و دیدگاه‌های ایشان نقش مؤثری در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با هدایت و مدیریت منظر شهری تهران داشته باشد. نهایتاً ۱۴۳ نفر در ۴ گروه شامل (۱) متخصصین و دانشگاهیان، (۲) مهندسان مشاور تهیه‌کننده طرح تفصیلی مناطق ۲۲ گانه تهران، (۳) مسئولان دستگاه‌های سیاستگذار و مراجع تصویب‌کننده طرح‌ها و (۴) مسئولان دستگاه‌های فنی و اجرایی انتخاب شدند و عمدتاً از طریق تکمیل پرسش‌نامه و بعضاً به‌وسیله مصاحبه دیدگاه‌های ۵۹ نفر آنان ثبت، طبقه‌بندی و تحلیل گردید. باید توجه داشت که یکی از ضروریات فرآیند چشم‌اندازسازی، «مشارکتی بودن» آن است. به بیان دیگر منظور از چشم‌انداز منظر شهری تهران «چشم‌انداز مشترک و جمعی» در قبال این پدیده است و بدون مشارکت گروه‌های ذینفع، چشم‌اندازسازی به لفظی تهی از معنا تقلیل می‌یابد. از این رو، برای تدوین چشم‌انداز «قطعی» منظر شهری تهران لازم است که در مرحله دوم برنامه، گروه‌های متنوع ساکنان، شاغلان، بازدیدکنندگان و غیره از طریق اعمال یک نمونه‌برداری با حجم کافی مورد پیمایش قرار گیرند. در پیمایش صورت گرفته در مرحله اول برنامه، اگرچه از طریق کاربرد یک روش‌شناسی معتبر گرایش‌های موجود پیرامون چشم‌انداز آینده منظر شهری تهران استخراج و مورد بحث قرار گرفت، با وجود این به‌واسطه محدود بودن جامعه آماری هدف لازم است از تعمیم شتابزده و ناصواب نتایج پرهیز نمود.

در این قسمت از مقاله، پاسخ‌های ارائه شده به هجده مورد از مهم‌ترین پرسش‌ها و گزاره‌های پیمایش مزبور مورد تحلیل و تفسیر قرار می‌گیرد.^{۱۲} لازم به ذکر است که پاسخ‌های خام ارائه شده به تمامی هفتاد و هشت پرسش یا گزاره مندرج در پرسش‌نامه در قالب یکی از مجله‌های گزارش مرحله اول برنامه راهبردی طراحی شهری و مدیریت منظر شهری تهران تدوین گردیده و در دسترس قرار دارد.

پاسخ‌دهندگان در پاسخ به پرسش «به نظر شما مسائل اصلی شهر تهران کدامند؟» (شکل ۸ و پرسش شماره ۷)، عمده‌ترین چالش‌های رویاروی تهران را در سطح نخست «مشکلات زیست محیطی» (۲۶٪)، «ترافیک» (۲۰/۴٪) و «آلودگی بصری» (۱۱/۷٪) اعلان نموده‌اند. مجموعه مسائل «عدم تعادل در سطوح کاربری‌ها»، «معضلات اجتماعی و شهروندی»، «فرسودگی بافت‌ها» و «زیرساخت‌های شهری» (با فراوانی نسبی ۶/۶٪ الی ۳/۶٪) در سطح دوم چالش‌های تهران ارزیابی شده‌اند؛ و نهایتاً مسائل سطح سوم به ترتیب شامل ضعف قوانین شهرسازی، منظر شهری نامناسب، کمبود فضای سبز، حمل و نقل عمومی، وضعیت نامناسب معابر، مسکن، عدم تطابق فرم و عملکرد، اولویت حرکت سواره بر پیاده، ضعف عرصه‌های همگانی، فقدان ایمنی معابر، سوداگری زمین و مسکن، یکنواختی ضابطه سطح اشغال شصت درصد، فقدان خوانایی، نورپردازی نامناسب، عدم توجه به بستر و منظر طبیعی و مشکل زباله‌ها (با فراوانی ۲/۶٪ الی ۰/۵٪) اعلان گردیده است. به نظر می‌رسد که علی‌رغم سیطره مشکلات زیست‌محیطی و ترافیکی که در زندگی روزمره به‌صورت قوی تجربه می‌شود، توجه به کیفیت محیط بصری شهر نیز - لاقلاً از جنبه آلودگی‌های آن - در کانون توجه پاسخ‌دهندگان بوده است.

بخش بزرگی از پاسخ‌دهندگان در پاسخ به پرسش «وضعیت کلی منظر شهری تهران را در وضع موجود چگونه ارزیابی می‌کنید؟» (شکل ۹ و پرسش شماره ۱۰) وضعیت منظر تهران را بد یا بسیار بد ارزیابی نموده‌اند (مجموعاً ۸۵٪) و تنها بخش کوچکی از آنان به خوب یا قابل قبول بودن وضعیت منظر تهران اشاره داشته‌اند (مجموعاً ۱۵٪). نکته جالب اینکه گرایش مشابهی در ابراز موافقت یا مخالفت پاسخ‌دهندگان با گزاره «مناسب بودن تهران برای زندگی» (شکل ۱۰ و گزاره ۲۵) در مقایسه با دیدگاه ایشان در مورد وضعیت کلی منظر شهری تهران به چشم می‌خورد (توضیح اینکه حدود ۸۰٪ از پاسخ‌دهندگان با گزاره «مناسب بودن تهران برای زندگی» نسبتاً مخالف یا کاملاً مخالف بوده‌اند).

در واکنش به گزاره «منظر شهری کنونی تهران بازتاب فرهنگ و خواست شهروندان است» (گزاره شماره ۳۷) تقریباً شمار گروه موافقان و مخالفان برابر بود. یکی از مناقشات بسیار رایج، در قالب گزاره «ویژگی‌های بصری منظر شهری را بدون توجه به ابعاد عملکردی و زیست محیطی نمی‌توان مورد قضاوت قرار داد» (شکل ۱۱ و گزاره ۲۸) به پاسخ‌دهندگان ارائه گردید که اکثریت آن‌ها با این گزاره نسبتاً یا کاملاً موافقت داشتند (مجموعاً ۵۶٪ موافق در مقابل ۲۰٪ مخالف). این امر را می‌توان به مفهوم اذعان پاسخ‌دهندگان به درهم‌تنیدگی هدایت و مدیریت جنبه‌های بصری شهر با مدیریت کیفیت دیگر جنبه‌های زندگی شهر محسوب نمود.

از نظر پاسخ‌دهندگان، «مهمترین مناظر شهری تهران به ترتیب اولویت» (شکل ۱۲ و پرسش ۲۲) در سطح اول اهمیت شامل «منظر و چشم‌اندازهای رشته کوه البرز»^{۱۳} (۳۴/۲٪) در سطح دوم شامل «مناظر شهری ورودی تهران» (۱۷/۸٪) و «مناظر قابل مشاهده در بزرگراه‌ها» (۱۱٪) است و در سطح سوم «مناظر قابل رویت از نقاط مرتفع طبیعی و مصنوعی»، «مناظر خیابان‌های اصلی تجاری-اداری» و «مناظر دربرگیرنده نشانه‌های برجسته شهری» (۸/۲٪) را شامل می‌شود.

همچنین «عمده‌ترین عوامل اغتشاش بصری در منظر شهری تهران» (پرسش ۲۳) در سطح اول شامل همجواری ساختمان‌های با ارتفاع شدیداً متفاوت (بی‌نظمی در خط آسمان) (۲۰/۸٪) و حضور پر ازدحام اتومبیل‌ها در مناظر شهری (۱۸/۱٪)؛ در سطح دوم شامل عدم هماهنگی ریتم‌های افقی و عمودی در نمای ابنیه همجوار (۱۱/۱٪) و حضور الحاقات در نمای معابر نظیر کولرها، تابلوها و ... (۱۱/۱٪) اعلام گردیده است. در سطح سوم عواملی نظیر هم‌ردیف نبودن ساختمان‌ها، جنس و رنگ مصالح نماسازی، محوطه‌آرایی پیاده‌روها، تداخل حرکت پیاده‌ها و سواره‌ها، همجواری ساختمان‌های با سبک قدیمی و جدید، رنگ عناصر متحرک در منظر شهری نظیر رنگ اتومبیل‌ها و لباس افراد و الگوی روزنه‌بندی ناهماهنگ در ابنیه همجوار به‌عنوان عوامل اغتشاش بصری در منظر شهری تهران عنوان شده است. عمده‌ترین اقدامات عملی لازم برای بهسازی منظر شهری تهران» (پرسش ۱۵) از نظر پاسخ‌دهندگان در سطح اول «مدیریت نما و منظر شهری از طریق تدوین ضوابط» (۱۶/۷٪) و «ساماندهی حرکت پیاده» (۱۳/۱٪) را دربر می‌گیرد و در سطوح بعدی به ترتیب اقداماتی نظیر ساماندهی بافت‌های فرسوده، حفظ و گسترش فضای سبز، ساماندهی حرکت سواره، احیای بافت‌های کهن، کنترل ارتفاع و تراکم ابنیه، توجه به مبلمان شهری، حذف عناصر الحاقی نماهای ابنیه، تجدید نظر در ضابطه درصد اشغال زمین، احیای رود- دره‌ها و غیره پیشنهاد گردیده‌اند.

یکی از مباحث مناقشه‌برانگیز که معمولاً در مواجهه با کیفیت بصری شهرها مطرح می‌گردد این است که اساساً در فرهنگ ما باطن یا «سیرت» اشیاء از ظاهر یا «صورت» آنها پراهمیت‌ترند و لذا بعضاً استدلال می‌شود که «نامطلوب بودن منظر شهری تهران به این علت است که به‌طور کلی در فرهنگ ما زیبایی بیرونی و ظاهری چندان مورد تأکید نبوده است» (پرسش ۲۹). در واکنش به این گزاره، پاسخ‌دهندگان به دو گروه نسبتاً مساوی موافق (۴۷/۲٪) و مخالف (۴۱/۵٪) تقسیم می‌شوند. با این وجود، اکثریت قاطع پاسخ‌دهندگان با «اهمیت داشتن زیبایی ظاهری شهر به همان اندازه زیبایی باطنی شهر» (گزاره ۱ و ۲۴) موافقت داشته‌اند (حدود ۹۰٪). پاسخ‌ها نشان دهنده اهمیت جنبه‌های زیباشناختی شهر برای پاسخ‌دهندگان بوده است. در خصوص «علت هرج و مرج در منظر شهری» (شکل ۱۳ و گزاره ۳۶) اکثریت قاطع پاسخ‌دهندگان (۹۳٪) با مرتبط بودن این مسئله با ناهماهنگی میان دستگاه‌های ذی‌مدخل در توسعه، عمران و مدیریت شهری موافق هستند و ۹۵٪ آنان اعتقاد دارند که «به مدیریت منظر شهری تهران به‌عنوان وجهی از مدیریت شهری توجه لازم به عمل نیامده است» (شکل ۱۴ و گزاره ۳۵). نکته بسیار مهمی که در تحلیل گزاره شماره ۳۸ در این پیمایش آشکار شده این است که به بهانه پاسخگویی به مسائل و نیازهای پایه نمی‌توان پاسخگویی به نیازهای بصری شهر و مطالبات زیباشناختی شهروندان را به تعویق انداخت. در واکنش به این گزاره که «با وجود انبوهی از مسائل روزمره (نظیر ترافیک، آلودگی هوا و غیره) اساساً مسئله منظر شهری در تهران مسئله پراهمیتی نیست» (شکل ۱۵ و گزاره ۳۸) پاسخ‌دهندگان با قاطعیت مخالفت کرده‌اند (۶۷/۲٪ کاملاً مخالف و ۱۱/۵٪ نسبتاً مخالف) و تنها درصد خیلی با این گزاره کاملاً موافقت نموده‌اند (فقط ۰/۵٪).

یکی از محورهای مناقشات در مورد مناظر شهری لزوم تبعیت از تجانس سبکی یا تنوع الگوها در معماری شهری است. بعضاً استدلال می‌شود «منظر شهری نامتجانس و التقاطی نتیجه طبیعی زندگی شهری در جهان امروز است و دیگر نمی‌توان در کلانشهرهای مدرن انتظار برخورداری از منظر شهری متجانس را داشت» (گزاره ۳۹). پاسخ‌دهندگان پیمایش عمدتاً با این گزاره مخالفت داشته‌اند (۵۵/۶٪ کاملاً مخالف و ۲۵/۹٪ نسبتاً مخالف)، لیکن چنین گرایش قاطعی در واکنش به

این گزاره که «ایجاد مناظر شهری نامتجانس در تهران در نتیجه فرآیندهای اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و فنی موجود غیرقابل اجتناب است» دیده نمی‌شود و تقریباً تعداد موافقان و مخالفان با این گزاره برابرند. اکثریت قریب به اتفاق پاسخ‌دهندگان (۹۸/۱٪) نسبتاً یا کاملاً موافقت کرده «عامل اصلی اغتشاش در منظر شهری تهران، نبود ضوابط و معیارهای طراحی شهری و قوانین لازم به‌عنوان ضمانت اجرای آن است» (گزاره ۴۳)؛ و در همین راستا نیز بر این باورند که با انجام مدیریت مطلوب «تهران می‌تواند یکی از زیباترین شهرهای جهان شود» (۶۷/۷٪ نسبتاً موافق و ۲۶/۷ کاملاً موافق)، لیکن تنها ۲۵/۹٪ آنان با «احتمال تبدیل شدن تهران به یک شهر جهانی ظرف ۲۰ سال آینده» (گزاره ۵۴) موافق بوده‌اند.

یکی دیگر از مناقشات رایج در مورد منظر شهری تهران لزوم یا عدم لزوم تبعیت آن از الگوهای سنتی و یا الگوهای مدرن است. پاسخ‌دهندگان در واکنش با لزوم «یکسره نوگرایانه (مدرن) بودن منظر شهری و کاربرد مصالح و فرم‌های نوآورانه» (گزاره ۵۷) عموماً مخالفت کرده‌اند (۶۳٪ مخالف در مقابل ۲۲٪ موافق)؛ و همچنین اکثریت قاطعی با این گزاره که «سبک معماری سنتی متعلق به گذشته بوده و جایگاهی در منظر شهری کلانشهر مدرن تهران ندارد» (گزاره ۶۵) مخالفت نموده‌اند (۸۳/۳٪). اگر واکنش به دو گزاره ۵۷ و ۶۵ را نشان‌دهنده گرایش و احترام پاسخ‌دهندگان به ارزش‌های سنتی در منظر شهری تلقی نماییم، لیکن واکنش ایشان به گزاره دیگری نشان می‌دهد که استفاده از ارزش‌های مدرن هم از نظر آن‌ها مردود نبوده و از نظر آنها «منظر شهری تهران باید تلفیق موزونی از معماری سنتی ایرانی - اسلامی و معماری نوگرایانه باشد» (۸۵/۱٪ نسبتاً یا کاملاً موافق).

تفکیک و اولویت‌بندی مسائل در پرداختن به منظر شهری معمولاً از مباحث چالش‌برانگیز است. در حالی که سطح‌بندی مسائل نزد متخصصان برنامه‌ریزی و طراحی شهری امری کاملاً پذیرفته شده‌ای است، لیکن چنین اجماعی نزد شرکت‌کنندگان در پیمایش چشم‌اندازسازی منظر شهری تهران به چشم نمی‌خورد. در واکنش به این گزاره که «رسیدگی به منظر شهری تمام نقاط تهران ضرورت ندارد و بهتر است تلاش‌ها برای بهسازی بصری بر مهمترین و پرمخاطب‌ترین بخش‌های شهر متمرکز گردد» (گزاره ۶۸) بیش از نیمی از افراد (۵۶٪) مخالفت کرده‌اند و در واکنش به این گزاره که «لازم است برای تمام خیابان‌های تهران، حتی کوچه‌های مسکونی آن نیز طراحی منظر شهری صورت گرفته و موکداً به اجرا درآید» (گزاره ۷۳) اکثریت موافقت کرده‌اند (۶۸/۵٪). محتوای اظهارات نشان می‌دهد که پاسخ‌دهندگان برای مناظر شهری درجه‌بندی راهبردی، تاکتیکی و عملیاتی قائل نیستند. این عقیده می‌تواند در تحقق طرح‌ها به‌واسطه پراکنده شدن مصرف منابع ایجاد مشکل نماید. اکثریت قاطعی از پاسخ‌دهندگان (۹۱٪) با این گزاره که «مدیریت مؤثر محیط بصری و منظر شهری تهران مستلزم انجام اصلاحات نهادی در نظام مدیریت شهری است» (شکل ۱۶ و گزاره ۷۱) موافقت و بر این باورند که در آن وضعیت «چشم‌انداز مطلوب آینده تهران در صورت داشتن برنامه مناسب برای هدایت و کنترل منظر شهری» با مؤلفه‌هایی نظیر سرسبزی و طبیعت‌گرا بودن، برخورداری از ترافیک مناسب با غلبه حرکت پیاده و دوچرخه، بدون آلودگی بصری، برخورداری از فضاهای عمومی مطلوب، واجد خصلت شهردار جهانی برخوردارند، برخوردار از مقیاس انسانی و غیره قابل توصیف خواهد بود (پرسش ۷۸).

نتیجه‌گیری

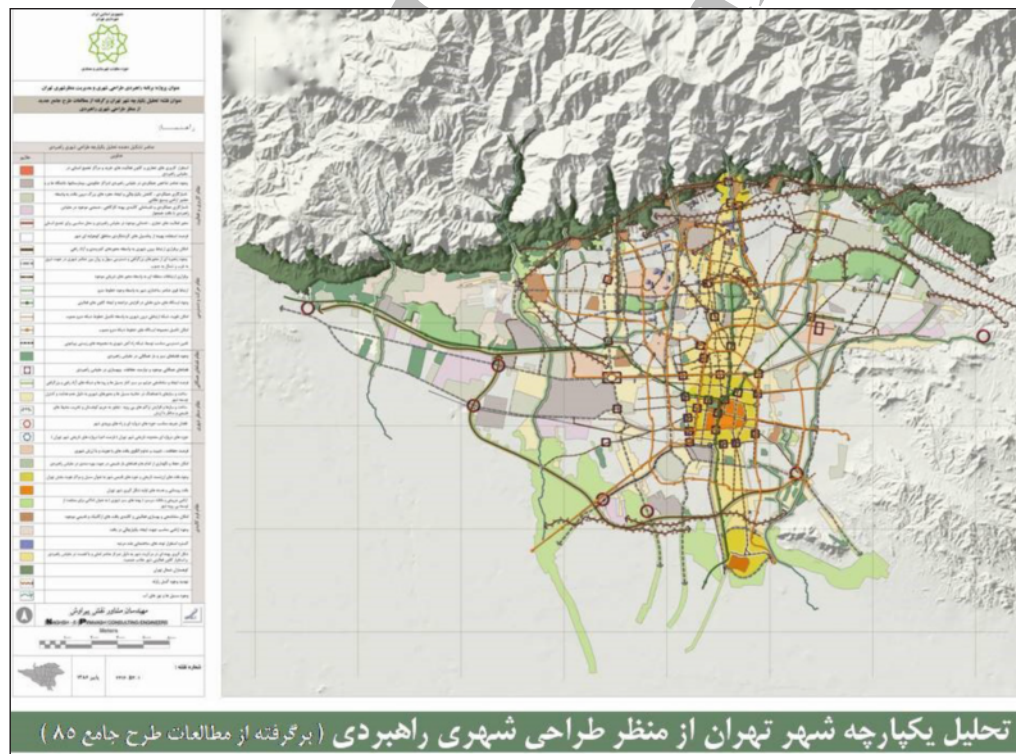
در این مقاله با طرح این پرسش که «از منظر شهری تهران چه می‌دانیم؟» گزارش فشرده‌ای از مرحله

اول برنامه راهبردی طراحی شهری و مدیریت منظر شهری تهران، به‌ویژه بخش چشم‌اندازسازی مقدماتی آن ارائه گردید. پیگیری اهداف اصلی مرحله اول یعنی طراحی سامانه تحقیق (متدولوژی) لازم برای انجام مراحل دوم و سوم برنامه و چشم‌اندازسازی مقدماتی، منجر به دستاوردهای مشخصی از جمله تدوین «مدل مطالعه جامع منظر شهری» (مدل سه‌نظام)، «نظام طبقه‌بندی تنوع مناظر شهری تهران»، ساخت «مدل چیدمان فضای شهر تهران»، انجام مطالعه پایلوت در مورد منظر ذهنی و خوانایی شهر تهران و آزمون افتراق معنایی پیرامون مناظر شهری شده است. در این نوشتار فرآیند چشم‌اندازسازی مقدماتی و یافته‌های آن به شکل نسبتاً تفصیلی مطرح گردید. براساس یافته‌های چشم‌اندازسازی مقدماتی، اکنون می‌توان به شکل نسبتاً روشنی مناقشات نظری و دیدگاه‌های بعضاً متعارضی که در خصوص مسئله منظر شهری تهران وجود دارد را صورت‌بندی نمود. مسلماً دیدگاه‌های مزبور پیش از کاربست در تدوین سیاست‌های شهری لازم است با استفاده از یک جامعه آماری بزرگ‌تر و معرف مورد سنجش دقیق‌تر قرار گرفته و براساس یک رویکرد مشارکتی، در جهت حصول اجماع حداکثری، مبنای تدوین سیاست‌های راهبردی در مورد منظر شهری تهران قرار گیرد. براساس یافته‌های این مرحله، مناقشاتی همچون ضرورت سنتی یا مدرن بودن منظر تهران، تأکید بر صورت در مقابل تأکید بر سیرت شهر، میزان انعکاس فرهنگ تهرانی‌ها در منظر شهرشان، تأکید بر نیازهای بصری-زیباشناختی در مقابل تأکید بر نیازهای پایه، کنترل شدید منظر شهری با اعمال قواعد سبک‌های معماری معین یا رهاسازی واژگان طراحانه در ساخت و سازها و غیره باید مورد توجه کافی قرار گیرد و در تهیه محصول خروجی سند، از طریق تمهیدات برنامه‌ریزانه و مدیریتی پاسخ‌های مناسب به آنها داده شود. بدیهی است که وجود چنین مناقشاتی در مورد منظر شهری تهران، انجام پژوهش بیشتر برای کشف ریشه‌های مسئله و جستجوی پاسخ‌های مناسب برای این‌گونه خواست‌های بعضاً متعارض را ایجاب می‌نماید.

بررسی تجربیات موجود در زمینه منظر شهری تهران نشان می‌دهد که دانش کنونی ما از این پدیده شدیداً ناکافی، غیرمنسجم و پراکنده است؛ به عبارت دیگر گستره نادانسته‌های ما در مورد این پدیده بسیار وسیع‌تر از قلمروی دانسته‌هایمان است. درک این واقعیت ساده می‌تواند از اتخاذ تصمیمات اشتباه جلوگیری نماید. آنچه که تاکنون در مورد محیط بصری تهران عنوان گردیده است، عمدتاً باورهایی هستند که نخست باید صدق آنها از طریق پژوهش‌های نظام‌مند اثبات و مدلل شود و تنها آنگاه به مثابه «دانسته» و واقعیت مبنای تصمیم‌گیری‌های شهری قرار گیرد. نکته امید بخش این است که جامعه ما طی چند دهه گذشته، تدریجاً ولی به شکلی فزاینده به اهمیت طراحی محیط و منظر شهری بذل توجه نموده است. روند اقدامات در این زمینه، نظیر انجام مطالعه گروه هاروارد (دبیرخانه شورای نظارت بر گسترش شهر تهران) در سال ۱۳۵۷، انجام مطالعات نیمه‌تمام سازمان زیباسازی در سال ۱۳۷۷ و نهایتاً آغاز تدوین برنامه راهبردی طراحی شهری و مدیریت منظر شهری تهران در سال ۱۳۸۵ نشان‌دهنده کوتاه‌تر شدن مستمر فواصل زمانی احساس نیاز جامعه به تهیه ابزاری برای مدیریت منظر شهر تهران است. به نظر می‌رسد که الگوی کاهش دوره‌های زمانی در مورد جلب توجه جامعه و مدیریت شهری به پدیده منظر شهری مطابق قاعده «نصف شدن پریود»^{۱۴} در نظریه آشوب باشد که شاید بتوان آن را به منزله نشانه و قرینه‌ای از فاصله گرفتن جامعه از بسنده کردن به اقدامات پراکنده و نامنظم و روی آوردن به برخورد منظم و نهادینه با پدیده منظر شهری تفسیر نمود. واقعیت‌ها نشان می‌دهد که گریزی از پرداخت به مسئله طراحی شهری و منظر شهری تهران نیست و تواتر احساس نیاز به

حل این مسئله بزرگ مستمراً در هر دوره کوتاه‌تر و کوتاه‌تر می‌گردد تا عاقبت این مسئله از طریق تهیه و اجرای برنامه‌ای منسجم پاسخی درخور دریافت نماید.

مطالعات به‌عمل آمده همچنین نشان می‌دهد که به‌جای تأکید بر «زیبایی‌شناسی سطحی» که در انجام اقدامات آرایشی و الحاقی تجلی می‌یابد، لازم است با فهم پیچیدگی مقوله منظر به «زیبایی‌شناسی ژرف» روی آورده، منظر شهری را به مثابه وجه آشکار توسعه پایدار تلقی نموده و در چارچوب یک رویکرد کل-نگر مورد توجه قرار داد. مناظر شهری مطلوب بیش از آنکه نتیجه انباشت تدریجی اقدامات پراکنده و تصادفی باشند، حاصل تلاش‌های برنامه‌ریزانه، هدفمند و هماهنگ هستند. تنها با باور به نقش مشکل‌گشای دانش برنامه‌ریزی می‌توان به ارتقاء کیفیت منظر شهری همت گماشت و از این رو تکمیل مطالعات منظر شهری تهران، یعنی انجام مراحل دوم و سوم برنامه راهبردی طراحی شهری و مدیریت منظر شهری تهران، برای شهری که جایگاه مناسبی در منطقه و جهان می‌جوید یک ضرورت عاجل است. نهایتاً تجربه تهران نشان داد که لازم است که سرفصلی تحت عنوان «مدیریت بصری شهر» یا «مدیریت منظر شهری» به مجموعه وظایف و مسئولیت‌های متعارف مدیریت شهری تهران افزوده شود که این امر به منزله ضرورت ظرفیت‌سازی نهادی در مجموعه سازمان‌های مرتبط است. از سوی دیگر، مطالعه نشان می‌دهد که ارتقاء کیفیت منظر شهری منوط به مسئولیت‌پذیری شهروندان در قبال کیفیت محیطی زندگی و کارشان و به‌طور مشخص منوط به شکل‌گیری «خواست منظر شهری مطلوب» به مثابه یک مطالبه فرهنگی عمومی از سوی شهروندان بوده و این امر مستلزم تهیه و اجرای برنامه‌های ترویجی و آموزش همگانی طراحی شهری و فرهنگ‌سازی موضوعی است.

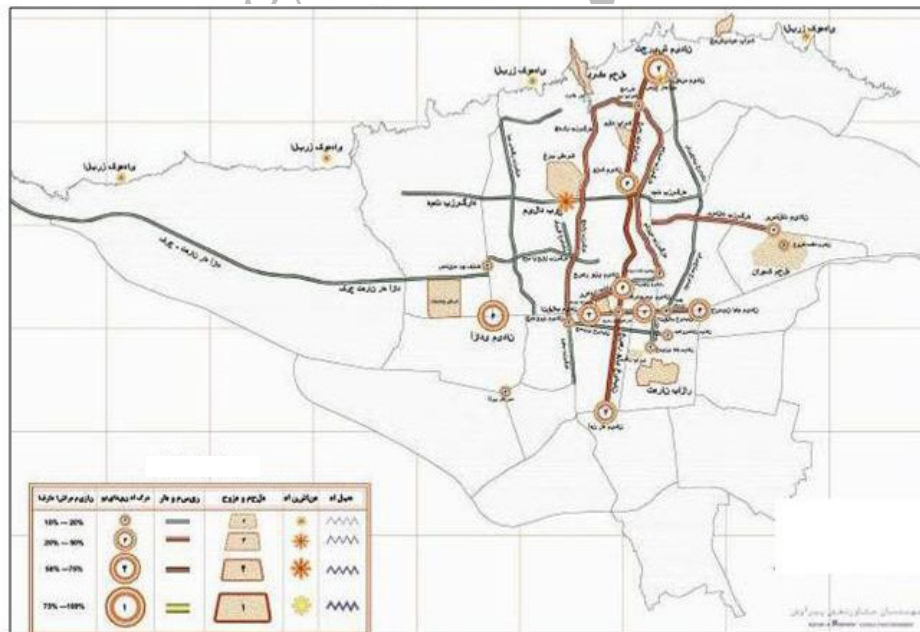


شکل ۱. تفسیر طرح جامع از منظر طراحی شهری

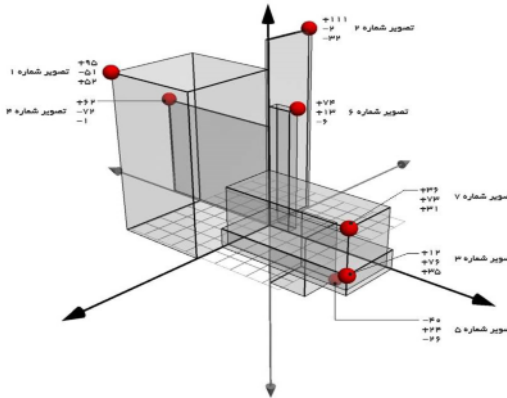
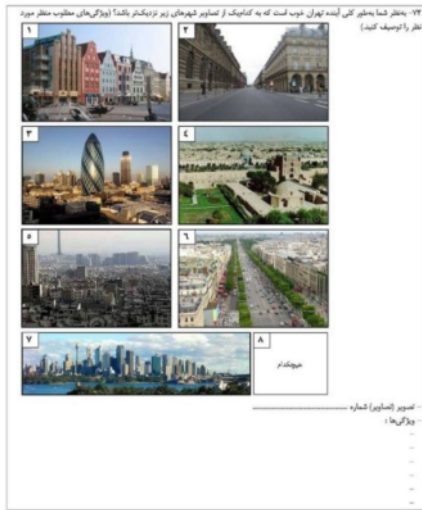
منبع: نگارنده



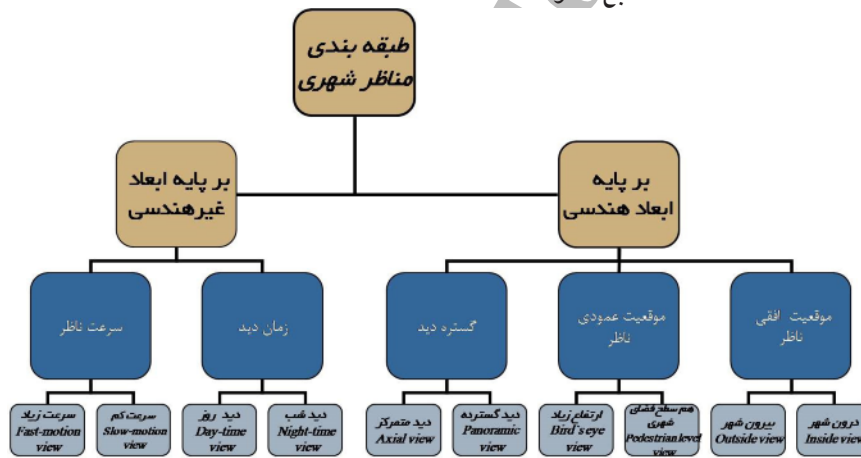
شکل ۲. تحلیل همپوندی استخوان‌بندی شهر تهران
منبع: نگارنده



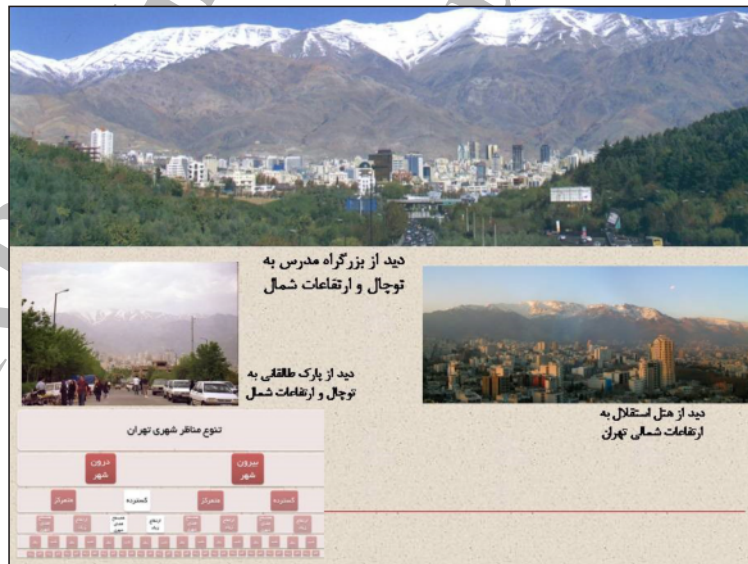
شکل ۳. مطالعه پایلوت منظر ذهنی شهر تهران
منبع: نگارنده



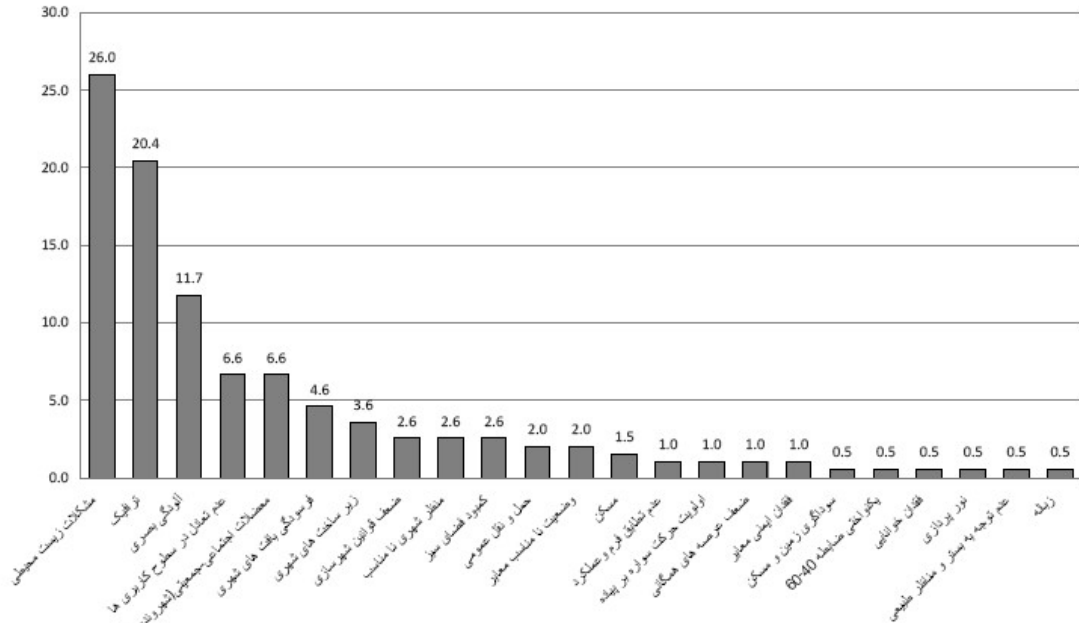
شکل ۴ و ۵. آزمون افتراق معنایی مناظر شهری
منبع: نگارنده



شکل ۶. نظام طبقه‌بندی تنوع مناظر شهری تهران
منبع: نگارنده

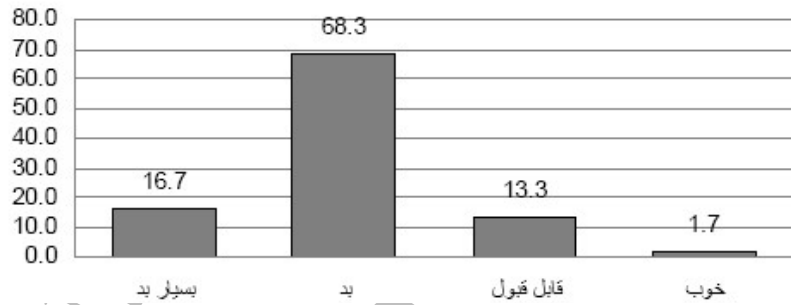


شکل ۷. تنوع مناظر گسترده شهر تهران
منبع: نگارنده



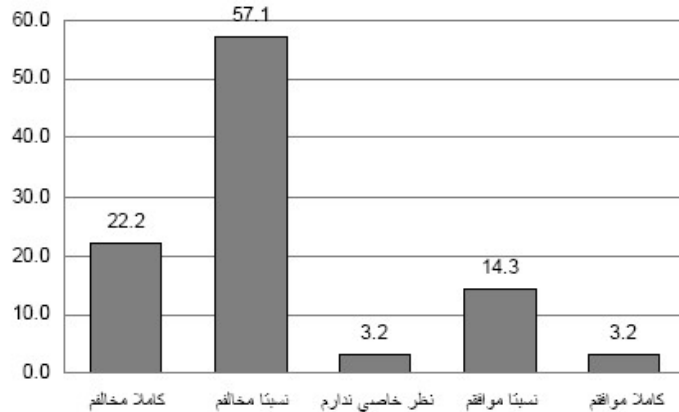
شکل ۸. به نظر شما مسایل اصلی شهر تهران کدامند؟ (پرسش ۷)

منبع: نگارنده



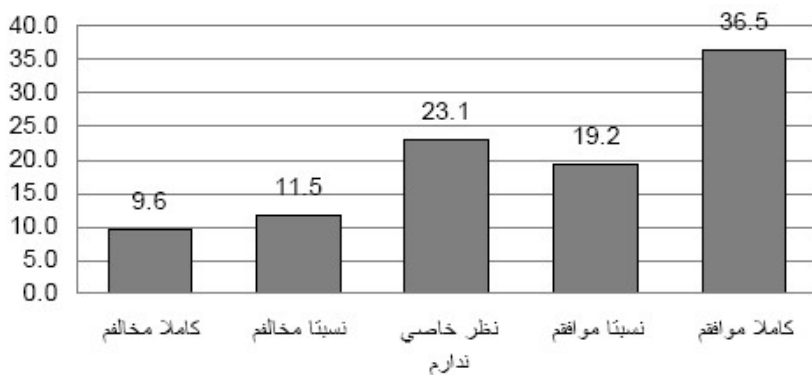
شکل ۹. وضعیت کلی منظر شهری تهران را در وضع موجود چگونه ارزیابی می‌کنید؟ (پرسش ۱۰)

منبع: نگارنده



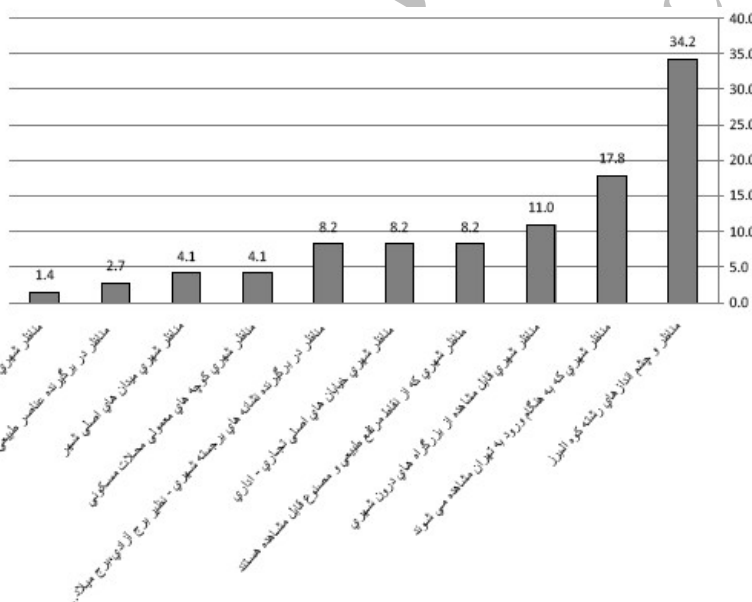
شکل ۱۰. به طور کلی تهران شهر مناسبی برای زندگی است. (گزاره ۲۵)

منبع: نگارنده



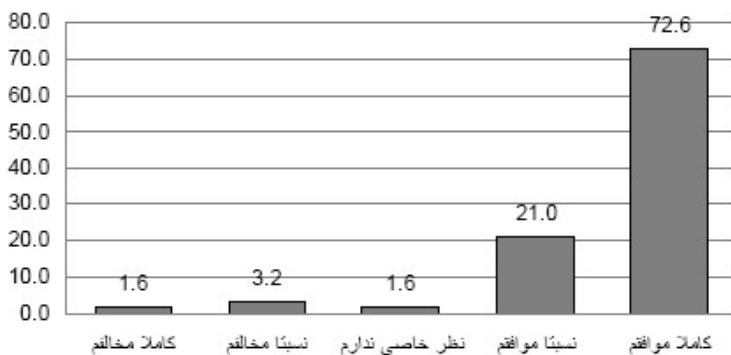
شکل ۱۱. ویژگی‌های بصری منظر شهری را نمی‌توان بدون توجه به ابعاد عملکردی و زیست محیطی شهر مورد قضاوت قرار داد. (گزاره ۲۸)

منبع: نگارنده



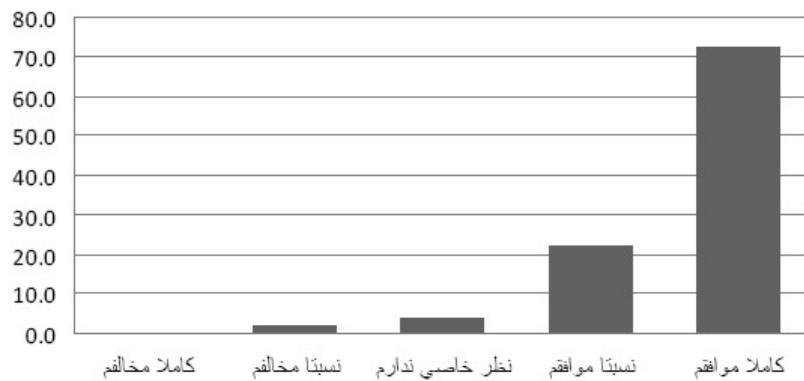
شکل ۱۲. مهمترین مناظر شهری تهران کدام هستند؟ (پرسش ۲۲)

منبع: نگارنده

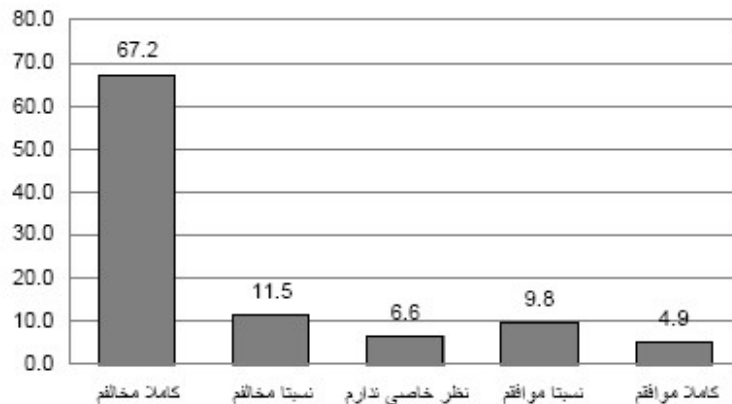


شکل ۱۳. ناهماهنگی میان دستگاه‌های ذی‌مدخل در توسعه و عمران و مدیریت شهری موجب هرج و مرج در منظر شهری گردیده است. (گزاره ۳۶)

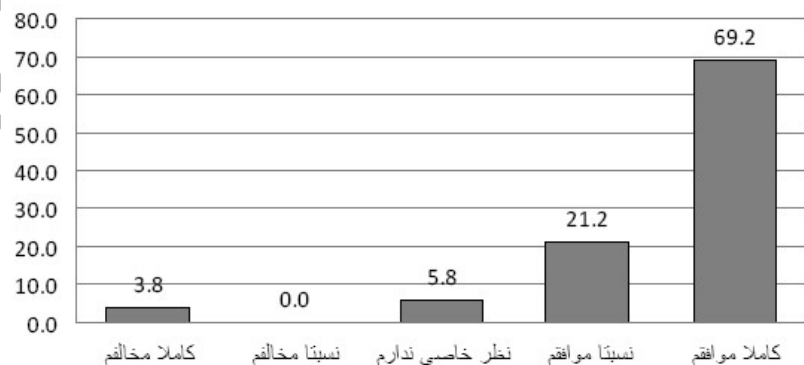
منبع: نگارنده



شکل ۱۴. به مدیریت منظر شهری تهران به‌عنوان وجهی از مدیریت شهری توجه لازم نشده است. (گزاره ۳۵)
منبع: نگارنده



شکل ۱۵. با وجود انبوهی از مسایل روزمره (نظیر ترافیک، آلودگی هوا، مسایل زیست‌محیطی، کمبود مسکن و خدمات شهری) اساساً مسئله منظر شهری در تهران مسئله مهمی نیست. (گزاره ۳۸)
منبع: نگارنده



شکل ۱۶. مدیریت مؤثر محیط بصری و منظر شهری تهران مستلزم انجام اصلاحات نهادی در نظام مدیریت شهری است. (گزاره ۷۱)

منبع: نگارنده

پی‌نوشت‌ها

1. Justified True Belief
2. Tehran's Built Form –Guidelines for a Coordinated Urban Design Policy
۳. سازمان زیباسازی شهرداری تهران با محوریت سیواش انصاری‌نیا از استادان دانشگاه شهید بهشتی در سال‌های اواخر دهه ۱۳۷۰ به مسئله طراحی شهری توجه قابل ملاحظه‌ای نمود که از آن جمله می‌توان به تهیه پروژه‌های متعدد برای فضای شهر تهران اشاره کرد. این سازمان نهایتاً در سال ۱۳۷۷ انجام پروژه «مطالعات جامع طراحی شهری تهران» را در دستور کار قرار داد که مسئولیت تدوین روش‌شناسی آن را نگارنده بر عهده داشت.
۴. برخی دیگر از مطالعات مرتبط شامل موارد زیر می‌شود: استخوان‌بندی شهر تهران (سازمان مشاور فنی مهندسی شهر تهران، ۱۳۷۶)؛ طرح تدوین مبانی سامان‌دهی نمای شهری تهران (حوزه معاونت شهرسازی و معماری شهرداری تهران، ۱۳۷۵)؛ طرح تحقیقاتی بررسی عناصر و عوامل مؤثر در شکل‌گیری سیمای شهری (وزارت مسکن و شهرسازی، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری، ۱۳۸۲)، کالبد شهر (منوچهر مزینی، ۱۳۷۴)، طرح راهبردی ساختاری بافت قدیم تهران (سازمان مشاور فنی مهندسی شهر تهران، ۱۳۸۳)، بررسی موقعیت و مکان‌یابی یادمان‌های شهری در پایتخت (معاونت شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۸۴) و غیره.
۵. برای مشاهده تفاوت رویکردهای طراحی شهری آرایشی و طراحی شهری پایدار ن.ک. گلکار (۱۳۸۲) از تولد تا بلوغ طراحی شهری.
6. Image
7. Place Branding
8. System of Inquiry
9. City Scape
10. City Image
11. City Evaluative - Image
۱۲. گزاره‌ها و پرسش‌هایی که در این مقاله مورد تحلیل و بحث قرار گرفته‌اند شامل آیتم‌های ۷، ۱۰، ۱۵، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۸، ۳۵، ۳۶، ۳۸، ۳۹، ۴۳، ۵۴، ۶۵، ۶۸، ۷۱ و ۷۳ از پرسش‌نامه می‌گردد.
۱۳. به‌واسطه اهمیت مناظر البرز، ایده‌های تحت عنوان «منظومه البرز رخ» (System Alborzscape) شامل «مجموعه مناظر شهری در هم تنیده با سیمای البرز (مناظر البرزین)» توسط برنامه‌شناسایی و جهت‌تعیین‌محورها و گسترده‌های دید به منظور حفاظت ویژه پیشنهاد گردیدند.
14. Period- halving Bifurcation

منابع

- سازمان زیباسازی شهر تهران (۱۳۷۷) چارچوب شرح خدمات، مطالعات جامع طراحی شهری تهران، سازمان زیباسازی شهر تهران (گزارش منتشر نشده)، تهران.
- سازمان مشاور فنی مهندسی شهر تهران (۱۳۷۶) استخوان‌بندی شهر تهران، معاونت فنی و عمرانی شهرداری تهران، تهران.
- سازمان مشاور فنی مهندسی شهر تهران (۱۳۸۳) طرح راهبردی ساختاری بافت قدیم تهران، مهندسان مشاور نقش‌پیراوش، معاونت فنی و عمرانی شهرداری تهران، تهران.
- کوان، رابرت (۱۳۸۵) اسناد هدایت طراحی شهری، ترجمه کورش گلکار و سولماز حسینیون، انتشارات سلیمی، تهران.
- گلکار، کورش (۱۳۷۸) کند و کاوی در تعریف طراحی شهری، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، وزارت مسکن و شهرسازی، تهران.
- گلکار، کورش (۱۳۸۲) «از تولد تا بلوغ طراحی شهری»، نشریه صفا، شماره ۳۶، صص. ۸-۲۳.
- گلکار، کورش (۱۳۸۴) «چشم‌انداز شهری محله: پیشنهاد یک چارچوب مفهومی برای صورت‌بندی بیانیه چشم‌انداز»، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۴، صص. ۲۵-۳۶.
- گلکار، کورش (۱۳۸۵) «مفهوم منظر شهری»، نشریه آبادی، شماره ۵۳، صص. ۳۸-۴۷.
- گلکار، کورش (۱۳۸۶) «طراحی شهری در عمل: الگویی برای هدایت و کنترل چندسطحی»، نشریه آبادی، شماره ۵۶، صص. ۳۰-۳۷.
- گلکار، کورش (۱۳۹۰) «طراحی شهری، فرآیند یا فرآیندها»، نشریه صفا، شماره ۵۲، صص. ۹۹-۱۳۴.

- لینچ، کوین (۱۳۸۵) *سیمای شهر*، ترجمه: منوچهر مزینی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری (۱۳۸۲) *طرح تحقیقاتی بررسی عناصر و عوامل موثر در شکل‌گیری سیمای شهری*، وزارت مسکن و شهرسازی، تهران.
- مزینی، منوچهر (۱۳۷۴) *کالبد شهر*، وزارت مسکن و شهرسازی، تهران.
- معاونت شهرسازی و معماری شهرداری تهران (۱۳۷۵) *طرح تدوین میانی ساماندهی نمای شهری تهران*، شهرداری تهران، تهران.
- معاونت شهرسازی و معماری شهرداری تهران (۱۳۸۵) *برنامه راهبردی طراحی شهری و مدیریت منظر شهری تهران - مرحله اول*، مهندسان مشاور نقش پیراوش.
- معاونت شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی (۱۳۸۴) *بررسی موقعیت و مکان‌یابی یادمان‌های شهری در پایتخت*، وزارت مسکن و شهرسازی، تهران.
- مؤسسه توسعه بین‌المللی هاروارد (۱۳۸۱) *راه حل گروه هاروارد برای طراحی شهر تهران*، ترجمه: فرشاد نوریان، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی، تهران.
- هاسپرس، جان (۱۳۸۷) *درآمدی بر تحلیل فلسفی*، ترجمه: موسی اکرمی، طرح نو، تهران.

- Ames, S. (1993a) *A Guide To Community Visioning: Hands-on Information For Local Communities*.
- Ames, S. (1993b) *Community Visioning: Planning for the Future in Oregon's Government*.
- Appleyard, D., Lynch K. & Myer, J.R. (1965) *The View from The Road*, MIT Press, Cambridge.
- CCSF (City and County of San Francisco) (1996) *Urban Design, an Element of the Master Plan of San Francisco*, City Council, San Francisco.
- CHKL (City Hall Kuala Lumpur) (2004) *Kuala Lumpur Structure Plan 2020*, City Hall Kuala Lumpur, Kuala Lumpur.
- Cullen, G. (1961) *Townscape*, The Architectural Press, London.
- DOPDE (Department of Planning, Development and Environment) (1999) *Design Strategy For The Built Environment Policy and Guidance for the Design of New Developments*, City of Stoke-on-Trent.
- GLA (Greater London Authority) (2004) *The London Plan, Spatial Development Strategy for Greater London*.
- GLA (Greater London Authority) (2005) *London View Management Frame work Draft SPG*, London Plan, London.
- Hall, A.C. (1996) *Design Control: Towards a New Approach*, Butterworth Architecture, Oxford.
- Lynch, K. (1960) *The Image of the City*, MIT press, Cambridge.
- Lynch, K. (1984) "Reconsidering The Image of the city", in Lloyd Roadwin and Robert Hillister, (eds) *Cities of Mind*, Plenum, New York.
- Nasar, J. (1998) *Evaluative Image Of the City*, Sage Publications, London.
- NSC (North Sydney Council) (2002) *North Sydney Development Control Plan and Area Character Statements*, North Sydney Council, Sydney.
- NSWG (New South Wales Government) (2005) *City of Cities: A Plan For Sydney's Future*, New South Wales Government, Dept. of Planning, Sydney.
- Punter, J. & M. Carmona (1998) *The Design Dimension of Planning*, Rutledge, Oxford.
- Punter, J. (1999) *Design Guidelines in American Cities, A Review of Design Policies and Guidelines in 5 West. Coast Cities*, Liverpool University Press.
- Punter, J. (2005) "Urban Design in Central Sydney, 1945-2002", Elsevier, *Planning in Process*, No. 63
- SCC & STCC (2001) *Staford Shire and Stock-on-Trent Structure Plan 1996-2011*, Staford Shire County Council and Stock-on-Trent City Council.
- TDCS (Tehran Development Council Secretariat) (1978) *Tehran's Built Form -Guidelines for a Coordinated Urban Design Policy*, TDCS, Tehran.